

مقایسه سیاست خارجی چین و روسیه

در رابطه با پرونده هسته ای ایران (۲۰۱۶-۲۰۰۱)

مهرداد اسماعیلی^۱

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل - دانشگاه آزاد اسلامی قم

نام نویسنده مسؤل :

مهرداد اسماعیلی

چکیده

پژوهش حاضر به ارزیابی سیاست خارجی چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران از ۲۰۱۶-۲۰۰۱ پرداخته است. براین اساس اصلی ترین هدف این پژوهش ارائه شناخت و پاسخی مستدل برای این پرسش بوده است که نقاط مشترک و متفاوت در سیاست خارجی چین و روسیه در قبال برنامه هسته ای ایران کدامند؟ ادعایی که بر مبنای چارچوب نظریه واقع گرایی ساختاری به روش توصیفی و تحلیلی در این پژوهش به آزمون کشیده شده است، این است که روسیه و چین در رابطه با پرونده هسته ای ایران در راستای پیشبرد منافع منطقه ای و بین المللی خود با حمایت نسبی از حقوق صلح آمیز هسته ای ایران سعی در امتیاز گیری از قدرت های جهانی و ممانعت از تک قطبی شدن نظم بین الملل داشته اند. البته روسیه در این مسیر تامین امنیت خود و کشور چین دسترسی به منبع انرژی و بازار مصرف ایران را نیز دنبال نموده اند. و همچنین نگرانی از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و جلوگیری از تلاش غرب برای انزوای کامل ایران در رابطه با برنامه هسته ای اش، مهمترین نقاط مشترک و متفاوت در سیاست خارجی دو کشور چین و روسیه در قبال برنامه هسته ای ایران بوده است.

کلمات کلیدی:

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، پرونده هسته ای، سلاح های کشتار جمعی، واقع گرایی ساختاری

مقدمه

ایران یکی از مهمترین واحدهای سیاسی منطقه خاورمیانه به جهت دارا بودن موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و همچنین دارا بودن ذخائر عظیم انرژی همواره مورد توجه ویژه قدرت های بزرگ جهانی قرار داشته است. در این میان چین و روسیه به عنوان دو قدرت مطرح بین المللی در مقاطع مختلف تاریخی به ویژه در دهه اخیر مواضع خاص و متفاوت از سایر قدرت های جهانی در خصوص پرونده هسته ای ایران را دنبال نموده اند. تمایل روسیه به ادامه همکاری هسته ای با ایران بر این هدف استوار است که ضمن انتقال فناوری هسته ای به این کشور،

منافع خود را نیز تامین نماید و همچنین چین به دلیل ضرورت رشد اقتصادی، نیازمند نفت و بازار مصرف ایران است. این دو قدرت به دلیل عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش کلیدی در روند پیگیری مسئله هسته ای ایران ایفا نموده و شاهد مواضع نسبتاً یکسانی از سوی آنها بوده ایم. در این بین آمریکا با ایجاد جو رعب و وحشت پیرامون فعالیت هسته ای ایران به عنوان عاملی تهدید آمیز برای دو کشور چین و روسیه، مواضع آنها را در قبال پرونده هسته ای ایران، در راستای بده بستان های ناشی از منافع گسترده آنها تحت تاثیر قرار داده است. همین سیاست و تداوم آن باعث شد تا در فرآیند تدوین قطعنامه ها علیه ایران روسیه و چین مواضع خود را به ایران نزدیک و نسبت به تعدیل محتوای قطعنامه ها تلاش نمایند ولی هنگام تصویب قطعنامه ها موضعی نزدیک به آمریکا و دیگر کشورهای غربی عضو شورای امنیت سازمان ملل اتخاذ کنند. و ایران نیز با توجه به ضرورت تامین بخشی از انرژی خود از طریق سوخت هسته ای و سایر نیازها جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی و صنعتی چاره ای ندارد جز اینکه برای دستیابی به انرژی هسته ای به عنوان یکی از مولفه های تاثیر گذار بر روابط بین الملل پافشاری نماید. بر این اساس این پژوهش در نظر دارد سیاست های مشابه و متفاوت چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران و عوامل تاثیر گذار بر آن را مورد کنکاش و بررسی علمی قرار دهد تا نتایج حاصل از آن بتواند سیاستمداران عرصه داخلی و خارجی را در خصوص سیاست های آتی این دو قدرت جهانی در قبال مسائل مختلف بین المللی رهنمون سازد.

فعالیت و عملکرد ایران در زمینه توسعه دانش هسته ای با واکنش و برخوردهای متمایزی از جانب جامعه جهانی روبه رو بوده است به طوری که ایران از زمان ساخت و توسعه نیروگاه های هسته ای خود از حمایت و همکاری غرب برخوردار بود. اما وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال آن سال های طولانی جنگ و محاصره اقتصادی، مناقشاتی را میان این کشور و کشورهای غربی بوجود آورد و روند آرام توسعه هسته ای را که تحت نظارت آژانس بین المللی بود، در معرض اختلالاتی قرار داد. در راس بلوک غرب، آمریکا تمام تلاش خود را به کار بست تا پرونده هسته ای ایران را روی میز شورای امنیت سازمان ملل قرار دهد و با تصویب قطعنامه های تحریمی از ادامه فعالیت های هسته ای ایران جلوگیری نماید. این در حالی است که آمریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را به عنوان دوست، متحد و حافظ منافعش در منطقه، در کنار خود حفظ و از آن حمایت می کرد و حتی بسیاری از سلاح های متعارف خود را که به جز کشورهای عضو ناتو، دستیابی به آن برای دیگر کشورها امکان پذیر نبود در اختیار ارتش ایران قرار داد.

با گسترش روابط اقتصادی ایران و چین، این کشور تمایلی به قرار گرفتن پرونده هسته ای ایران در شورای امنیت نداشت، تا بدین منظور بتواند مناسبات خود را با ایران حفظ کند و در همکاری با کشورهای خاورمیانه، آمریکا را از منطقه تایوان دور سازد و فعالیت های این کشور در این منطقه را بدین طریق بی اثر سازد. با وجود آنکه روابط تجاری آمریکا با تایوان و مساله حقوق بشر از جمله اهرم های فشار آمریکا علیه چین به شمار می رود. چین برای سرمایه گذاری، انتقال فناوری و صادرات، آمریکا را مهم ترین شریک خود می داند و بر این اساس ایجاد تعادل و توازن میان ایران و آمریکا برای این کشور با دشواری روبرو بوده است. به گونه ای که قبل از تصویب همواره از وتوی قطعنامه ها صحبت می کردند ولی در جریان تصویب رای مثبت خود را اعلام می کردند. علاوه بر چین، عملکرد روسیه نیز در پرونده هسته ای ایران، نقش و اهمیت بسزایی داشته است. به دلیل همکاری در نیروگاه بوشهر و هم به جهت عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد روسیه برای ایران حایز اهمیت است. از این رو در شرایطی که پرونده هسته ای ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین المللی در دستور کار آژانس شورای امنیت قرار داشت، رویکرد این کشور نسبت به پرونده هسته ای ایران بویژه در تکمیل و تحویل نیروگاه اتمی بوشهر، با فراز و نشیب هایی روبرو بود. این کشور از یک طرف مذاکرات خود با ایران و از طرفی دیگر، دیدارهایی با مقامات آمریکا را در دستور کار خود قرار می داد.

آمریکا نیز موضوع پرونده هسته ای ایران را به عنوان یکی از موضوعات چالش برانگیز جهانی روی میز مذاکره با روسیه قرار داد. به طوریکه به دلیل همکاری با ایران در مقاطع مختلف، فشار آمریکا بر روسیه محسوس بود. در حالیکه همکاری که روسیه برای سامان دادن به اقتصاد رو به رشد خود و حل مشکلات داخلی و تامین منافع امنیتی به این همکاری نیاز داشت. با این وجود روسیه نیز همچون چین آنگونه که ایران انتظار داشت در شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل نکرد و در نهایت قطع نامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون پرونده هسته ای ایران با آرای مثبت این دو کشور به تصویب رسید. لذا در بررسی روابط این دو کشور با ایران همواره این سوال مطرح است

که نقاط مشترک و متفاوت در سیاست خارجی چین و روسیه در قبال برنامه هسته ای ایران کدامند؟ براین اساس و با توجه به اهمیت این موضوع، این پژوهش تلاش می کند تا به بررسی ابعاد و علل سیاست خارجی چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران پرداخته و اهداف و مواضع آنان را مورد ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

با توجه به اختصاص فرضیه این تحقیق بر مولفه های مشترک و متفاوت سیاست خارجی چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران و نظر به اینکه سه کشور ایران، روسیه و چین در نظام بین الملل منافع مشترک و گاهی متفاوت داشته اند. مواضع این کشورها با محوریت پرونده هسته ای ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به اینکه همه قدرت های همسو و متعارض اعم از غرب و روسیه و چین با هدفی مشترک به تحدید فعالیت های هسته ای ایران می اندیشند و با یکدیگر در این رابطه همکاری دارند. اثبات فرضیه در قالب نظریه واقع گرایی ساختاری از توجیه بیشتری برای استدلال برخوردار بوده و به نظر می رسد این نظریه بتواند چارچوب تحلیلی مناسبی برای کنکاش این موضوع باشد.

مکتب رئالیسم نقطه مقابل مکتب ایده آلیسم است، وجود جهان خارجی را نفی کرده و همه چیز را تصورات و خیالات ذهنی می داند. ایده آلیست ها همه موجودات و آنچه را که در این جهان درک می شود، تصورات ذهنی و وابسته به ذهن شخص دانسته و معتقدند که اگر منی که همه چیز را ادراک می کنند وجود نداشته باشد، دیگر نمی توان گفت که چیزی هست. در حالی که بنابر نظر و عقیده رئالیستی، حتی با فقدان انسان ها، باز هم جهان خارج وجود خواهد داشت. به طور کلی یک رئالیست، موجودات جهان خارج را واقعی و دارای وجود مستقل از ذهن خود می داند. باید گفت در واقع همه انسانها رئالیست هستند، زیرا همه به وجود دنیای خارج اعتقاد دارند. با این تعریف حتی ایده آلیست ها نیز در زندگی و رفتار، رئالیست هستند، زیرا باید جهان خارج را موجود دانست تا بتوان کاری کرد و یا حتی سخنی گفت. رئالیسم به عنوان مکتب نظری غالب روابط بین الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم به حساب آمده و سایر نظریه های روابط بین الملل اغلب به عنوان واکنشی در برابر این نظریه انگاشته می شود. با این حال رئالیسم از بنیان های نظری و مفروضه هایی جدی و قابل توجه برخوردار است و ضمن پاسخگویی به بسیاری از انتقادات همچنان به عنوان یکی از نظریه های برجسته و اصلی روابط بین الملل در تبیین سیاست خارجی دولتها مورد استفاده قرار می گیرد.

رئالیسم ساختارگرا و متغیرهای سیستمی در سیاست خارجی

رئالیسم ساختارگرا یا نورئالیسم که با اندیشه های کنت والتز تحولی جدید در نظریه های روابط بین الملل ایجاد کرد. به دلیل تأکید بر مؤلفه های سطح سیستمی از جمله ساختار آنارشیک نظام بین الملل و نحوه توزیع قدرت در عرصه بین المللی از نظریه های رئالیسم کلاسیک متمایز می شود. با این حال این نظریه را به دو شاخه جداگانه رئالیسم ساختارگرایی تدافعی به نمایندگی نظریه پردازانی مانند والتز و استفان والت و رئالیسم ساختارگرایی تهاجمی به نمایندگی نظریه پردازانی مانند جان مرشایمر تقسیم بندی می کنند (اسدی، ۱۳۸۹).

رئالیسم ساختارگرایی تدافعی

فرض رئالیسم تدافعی این است که آنارشی بین الملل معمولاً خوش خیم است. یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می دهند. این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. به نظر تالیا فرو واقع گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است:

۱- معمای امنیت: شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می شود. به نظر واقع گرایان تدافعی، توسعه طلبی همیشه به امنیت منجر نمی شود. در واقع امنیت مطلق ممکن نیست جز با تبدیل شدن به هژمونی جهانی.

۲- ساختار ظریف قدرت: تأثیر ساختار ظریف قدرت مهمتر از ساختار خام قدرت است.

۳- برداشت های ذهنی رهبران: تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت های ذهنی رهبران ملی است.

۴- عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع گرایان تدافعی استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلاف سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان بخش های لشکری و کشوری همگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می دهند. جک اسنایدر و استفن والت مهمترین واقع گرایان تدافعی به جای موازنه قدرت است. از نظر او آنچه در "موازنه تهدید" محسوب می شوند. تأکید والت بر اهمیت روابط میان دولت ها حائز اهمیت است، برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ص ۱۳۳ تا ۱۳۴).

رنالیسم تدافعی یکی از شاخه های عمده رنالیسم ساختارگراست که نظریه پردازانی مانند کنت والتز، استفان والت و جک اسنایدر نمایندگان اصلی آن تلقی می شوند. رنالیست های تدافعی نظام بین الملل را آنارشیک می دانند، اما آنارشی از منظر آنها بی ضررتر از آن چیزی است که رنالیست های تهاجمی تصور می کنند. دولت ها می توانند از طریق ایجاد موازنه قدرت از عهده عمده تهدیدات خارجی برآیند؛ بنابراین تنها در شرایط ترسناک یا از طریق دولت های شرور غیر عقلانی است که در محیط بین المللی خشونت ایجاد می شود. بر این اساس از منظر رنالیسم تدافعی سیاست خارجی دولت ها از واکنش های عمدتاً مسالمت آمیز به عوامل سیستمی تشکیل می شود.

تعیین کنندگی آنارشی بین المللی و نحوه توزیع قدرت بین دولت ها و به خصوص قدرت های بزرگ در عرصه سیاست بین الملل و موازنه سازی در برابر قدرت یا تهدید بیرونی به عنوان اصلی ترین شکل رفتار بیرونی دولت ها از مشخصه های اصلی رنالیسم تدافعی تلقی می شود. هرچند در این نظریه مؤلفه های سیستمی به عنوان متغیر مستقل اصلی تعیین کننده سیاست خارجی محسوب می شوند، اما تفاوت هایی عمده نیز بین نظریه پردازان آن برای تحلیل سیاست خارجی وجود دارد. به خصوص والتز که بر عدم امکان استخراج نظریه سیاست خارجی از نظریه روابط بین الملل تأکید دارد، با سایر نظریه پردازان رنالیسم ساختارگرای تدافعی و تهاجمی تفاوت هایی اساسی دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶).

رنالیسم تدافعی محیط سیاسی و اقتصادی که دولت ها در آن عمل می کنند و در مجموع متغیرهای میانجی را در نوع و چگونگی جهت گیری سیاست خارجی دولت ها مؤثر می داند. به عنوان نمونه دولتی که از نظر جغرافیایی در شرایطی است که کمتر مورد تهدید قرار می گیرد. یا دارای همسایگان ضعیفی است و در مجموع از محیط امنیتی مطلوبی برخوردار است، سهم بیشتری از منابع خود را به برنامه های داخلی مانند توسعه اقتصادی اختصاص می دهد تا اینکه به توسعه نظامی بپردازد. در این خصوص اغلب به امریکا به عنوان کشوری با فاصله جغرافیایی زیاد از اروپا و دارای همسایگان ضعیفی مانند کانادا و مکزیک اشاره می شود که توانست اقتصاد و قدرت ملی خود را در مدت یک و نیم قرن توسعه دهد. با این حال در شرایطی مانند فقدان مرزهای قابل دفاع یا وجود همسایگان قدرتمند، دولت ها انگیزه هایی قوی برای ایجاد نیروهای مسلح قدرتمند و اتخاذ سیاست های نظامی تهاجمی دارند (اسدی، ۱۳۸۹: صص ۲۳۳-۲۳۶).

رنالیسم ساختارگرای تهاجمی

این گروه از رنالیست ها چنین استدلال می کنند که، آنارشی دولت ها را وادار می سازد قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام بین الملل هرگز قطعی نیست و دولت ها می کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود امنیت خویش را به حداکثر برسانند. از دید واقع گرایان تهاجمی آنارشی در نظام بین الملل عموماً وضعیتی هابزی است که در آن امنیت امری کمیاب است و دولت ها می کوشند با به حداکثر رساندن امتیاز نسبی خود به آن نائل شوند. به نظر آنها فشار نظام بین الملل آنقدر قوی است که باعث می شود که دولت هایی که در وضعیتی مشابه اند، رفتار مشابهی داشته باشند. این شاخه از نفوکلاسیک ها از نظر استدلالی بسیار به والتز شباهت دارند. می توان فرید زکریا و جان میرشایمر را مهمترین نظریه پردازان واقع گرایی تهاجمی دانست زکریا بر آن است که تاریخ نشان می دهد دولت ها در شرایطی که به شکل فزاینده ثروتمند می شوند، به ایجاد ارتش های بزرگ روی می آورند، و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی خود می روند. به عبارت دیگر، توانمندی های نسبی تا حدی به ثبات دولت ها شکل می دهند. البته باید توجه داشت که به نظر زکریا هر قدر قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند، به سیاست های خارجی توسعه طلبانه تری منجر میشود. از دید

میرشایمر، دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدید است و واحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. به نظر او دلیل اصلی قدرت طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد:

۱. ساختار آنارشیک نظام بین الملل

۲. توانمندیهای تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند؛ و ۳. عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن. بیشترین چیزی که در این میان برای تبیین روابط بین الملل اهمیت دارد عوامل ساختاری مانند آنارشی و توزیع قدرت اند. به نظر میرشایمر این دولت‌های قوی اند که نهادها را شکل می‌دهند تا بتوانند سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۶)

رناليسم تهاجمی به پیروی از دیگر گرایش‌های فکری بین الملل، دستگاه فکری خود را بر اساس آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایانه بنیان نهاده است. پیروان این مکتب، ضمن اینکه در چارچوب‌های واقع‌گرایانه دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین الملل به رسمیت می‌شناسند؛ بر این باورند که این قدرت‌های بزرگ هستند که سیاست‌های بین الملل را شکل می‌دهند، و در تاثیرگذاری بر سیستم بین الملل، برون دادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده می‌باشد. در رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی بر افزایش قدرت به منزله‌ی هدف، برای کسب جایگاه هژمونیک در نظام بین الملل به عنوان رفتار اصلی قدرت‌های بزرگ تأکید می‌شود. این دسته از واقع‌گرایان به مسأله‌ی امنیت به عنوان محور و پایه‌ی اصلی بحث هایشان می‌پردازند که در این حوزه به مسائلی چون امنیت بین المللی، بقا، موضوعات امنیتی مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت، دولت محوری در مرجع امنیت و آنارشی توجه می‌شود. پیروان مکتب واقع‌گرایی تهاجمی معتقدند مبارزه برای قدرت اولین گام برای پانهادن در عرصه‌ای است که هریک از کشورها درصددند تا قوی‌ترین بازیگر نظام بین الملل باشند و مترصد فرصت‌هایی هستند که قدرت خود را در برابر دیگر رقبا افزایش دهند. دولت‌ها بطور بالقوه برای یکدیگر خطرناکند. هر اندازه دولت‌ها قدرت نظامی بیشتری نسبت به یکدیگر داشته باشند، توانایی و ظرفیت خطرآفرینی بیشتری خواهند داشت. قدرت نظامی یک دولت معمولاً با توانایی تسلیحاتی تعریف و شناخته می‌شود در واقع می‌توان گفت واقع‌گرایی تهاجمی، نوع رقابتی تر واقع‌گرایی ساختاری است. جان میرشایمر معتقد است دولت‌ها علاوه بر اینکه نسبت به اهداف سایر دولتها اطمینان خاطر ندارند، می‌بایست بدبینانه‌ترین حالت ممکن نسبت به اهداف آنها را نیز در نظر گیرند. در نتیجه دولت‌ها تنها نسبت به توانمندی سایر دولت‌ها متمرکز می‌شوند. از این رو برای کسب قدرت به رقابت می‌پردازند. و تا حد ممکن درصدد افزایش قدرت خود برمی‌آیند. میرشایمر اینگونه استدلال میکند، اگر چه قدرتهای اصلی همواره درصدد کسب قدرت بیشتری هستند، اما به خاطر آگاهی از محدودیتهای موجود در نظام بین الملل در بسیاری از مواقع از این خواسته خود چشم‌پوشی می‌کنند. بدین ترتیب، واقع‌گرایان تهاجمی، قدرت‌های بزرگ را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که بی‌وقفه در پی کسب قدرت هستند. آنان بر این اعتقادند که نظام بین الملل، قدرت‌های بزرگ را مجبور می‌کند تا قدرت نسبی خود را افزایش دهند. زیرا آنها بدین طریق می‌توانند حکم رفتار تهاجمی را صادر، بقا و امنیت خود ارتقا بخشند. به عبارت دیگر عملکرد تهاجمی قدرتهای بزرگ تنها به دلیل برخورداری از انگیزه‌ی سلطه‌جویی نیست، بلکه آنها مجبور هستند تا برای افزایش امکان و مدت بقای خویش به دنبال قدرت بیشتری باشند (متقی، بقایی و رحیمی ۱۳۸۹: صص ۷-۱۰).

مقایسه سیاست خارجی دو کشور چین و روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران

همانطور که اشاره شد دو کشور چین و روسیه به عنوان دو قدرت اتمی مطرح بین المللی در مقاطع مختلف زمانی به ویژه در دهه اخیر مواضع خاص و متفاوت تر از سایر قدرت‌های جهانی را در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران دنبال نموده اند. دولتهای روسیه و چین بر عکس آنچه در جهان به نظر می‌رسد نظرات مشابهی در خیلی از مسائل ندارند اما به دلیل وجود کشور آمریکا و داشتن متحدانی همچون اروپای غربی، در خیلی از مسائل ناگزیر به اتخاذ رویکرد مشترک می‌شوند. این رویکرها در ظاهر فقط شبیه هم است اما در کنار منافع ملی گاه می

تواند اگر قطب بندی موجود نباشد متعارض گردد و سبب بسیاری از مشکلات شود. دو کشور در بحث هسته ای جمهوری اسلامی ایران چند رویکرد مشترک و چند رویکرد بر اساس منافع ملی خودشان و توان بازیگری دارند که گاه با هم یکسان نیست.

بر این اساس در این بخش با هدف شناخت مواضع مشترک و متفاوت کشورهای چین و روسیه به مقایسه سیاست خارجی دو کشور در رابطه با پرونده هسته ای ایران پرداخته میشود، البته هدف از مقایسه، بیان شباهت ها و تفاوت های سیاستها و مواضع این دو کشور برنامه هسته ای ایران است. درواقع انعکاس شباهت ها و تفاوت ها در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش است. بدیهی است به تاثیرگذاری سیاست ها و مواضع اشاره کوتاهی می شود. بیان تمامی تاثیرات آنها نیازمند پژوهشهای جداگانه ای است که دراین نوشتار نمی گنجد. از این رو در ابتدا مواضع و سیاست ها مورد توجه قرار گرفته، سپس شباهت ها و تفاوت ها تبیین می گردد. پس از آن توافقات هسته ای و پیامدهای این توافق برای دو کشور را مورد بررسی و اشاره قرار خواهیم داد.

موضع روسیه و چین در قبال مسئله ی هسته ای ایران

تمامی کشورهای دارنده ی توان هسته ای تمایلی به هسته ای شدن هیچ یک از کشورهای دنیا ندارند و به بهانه های مختلف سعی می کنند که مانع هسته ای شدن دیگر کشورها شده و حاضر نیستند هیچ کشوری دارای چرخه ی سوخت هسته ای باشد. موضع دو کشور چین و روسیه نیز بر این قاعده استوار بوده اما نحوه ی بازی آنها و ایستادگی در برابر غرب، دو بازی متفاوت ایجاد می کرد. چین و روسیه گاه با قطعنامه های آژانس انرژی هسته ای رای ممتنع می دادند که در عرف به معنای رای منفی به حساب می آید و در اصل کمکی به عادی سازی پرونده ی هسته ای ایران در آژانس انرژی هسته ای نمی کردند. موضع روسیه در آژانس به دلیل مشارکت در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر نسبت به چین قدری منعطفانه تر بوده و بیشتر خواهان آن بود که موضوعات فنی آن مشخص شده و معلوم شود ایران از نظر بحث هسته ای چگونه عمل کرده است و تمایل داشت بقیه ی امر از طریق ساختار شورای امنیت پیگیری گردد. دولت چین تمایل داشت که بحث هسته ای جمهوری اسلامی ایران از طریق آژانس حل شده و کار به شورای امنیت کشیده نشود. مگرآنکه ایران از حدی فراتر رود در اینصورت ترجیح چین بررسی پرونده ایران در شورای امنیت و ممانعت از پیشرفت ایران در مسئله ی هسته ای بود. هر دو کشور تمایل داشتند در شرایط فعلی جهان هیچ گونه عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت نگیرد و حتی اعمال تحریم های شدید را نیز قبول نداشتند. با توجه به تلاش مشترک در تعدیل این پرونده منظر دید، دلایل و شیوه تلاش آنها تفاوت هایی داشت.

موضع کشور چین در قبال برنامه هسته ای ایران

از جمله تفاوت های موضع روسیه و چین در این پرونده این است که چین به عنوان یکی از بزرگترین شرکای اقتصادی ایران، چندان از تحریم ها راضی نبوده و تحریم ها را با منافع خود سازگار نمی بیند. یکی دیگر از دلایل این است که چین خریدار اصلی نفت ایران است و باید دقت داشته باشد که در روند انرژی کشورش اختلالی ایجاد نگردد. چینی ها با اعمال تحریم ها علیه ایران مخالف بودند اما بر اساس سیاست های گذشته این کشور علی رغم اختلافات جدی با آمریکا، به هیچ وجه خواهان ورود به عرصه درگیری و تنش با آمریکا نبوده است. لذا علی رغم مخالفت با تحریم های ایران در نهایت ناچار به همراهی با غرب در فشار بر ایران گردید. چین به نظر می رسد که در قبال پرونده هسته ای ایران در سیاست چین ملاحظات اساسی وجود داشت، از جمله اینکه: چین به روابط بلندمدت خویش با ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای و همچنین به عنوان منبعی مهم برای تأمین انرژی خویش در آینده می نگریست. و همچنین در مسیر رسیدگی به پرونده هسته ای ایران در تعامل گسترده تجاری و بازرگانی با آمریکا و اروپا نمی خواست که به روابط مزبور که در جهت پیشبرد اهداف راهبردی آن کشور برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی طراحی شده است. لطمه ای وارد شود.

چین در موضع گیری های خود در قبال پرونده هسته ای ایران سعی می کرد تا ضمن پشتیبانی از اصول پیمان منع اشاعه تسلیحات هسته ای، وجهه اش به عنوان یک قدرت مسئول و در حال ظهور دچار خدشه نگردد. بنابراین، چین در موضع گیری های خود در رابطه با بررسی پرونده

هسته‌ای ایران بر حل مسالمت‌آمیز این مسئله تاکید داشت. اتخاذ سیاست کنش متوازن برای حمایت از حق هسته‌ای کشورها در ضمن احترام به رژیم معاهده عدم گسترش و التزام به اصول عدم اشاعه هسته‌ای با احترام به حاکمیت کشورها از جمله برنامه‌های چین به عنوان یک قدرت بزرگ مسؤل محسوب می‌شود.

در این رابطه از سوی مقامات چینی بیش از چندین دهه تلاش‌هایی برای تقویت کشورهای در حال ظهور برای مقابله با سلطه جویی آمریکا و غرب به روش آزمون و خطا انجام گرفته است (قاسمی، مصطفی، ۱۳۸۸).

چین چندان تمایلی به ایفای نقش فعال در مسایل حاد و چالش‌برانگیز بین‌المللی نداشته و سعی کرده است با همه کشورهای که می‌توانند به نحوی منافع اقتصادی این کشور را تامین کنند، روابط حسنه‌ای داشته باشد. با توجه به ذهن عمل‌گرایانه سیاستمداران چینی، در صورتی که پرونده هسته‌ای ایران شکل حادثی به خود می‌گرفت، با عنایت به اصول کلی چین پس از جنگ سرد تا به امروز، می‌توان پیش‌بینی کرد این کشور در جبهه مقابل به تبعیت از شرکای عمده تجاری خود به خصوص آمریکا علیه ایران موضع می‌گرفت؛ کما اینکه در قطعنامه‌های صادره شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، چین پس از فراز و نشیب‌هایی، سرانجام همسو با مواضع آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا (همراه با روسیه) رای داد و با وجود تایید حقوق هسته‌ای ایران به عنوان یک حق مسلم، خواستار تعلیق غنی‌سازی و فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. چین ضمن آگاهی از موقعیت ممتاز ایران در منطقه، استفاده از موضوع هسته‌ای این کشور را ابزار مناسبی برای خنثی‌سازی تلاش‌های آمریکا در تایوان می‌دانست. اما باید به خاطر داشت که با توجه به منافع و ملاحظات خاص منطقه‌ای و جهانی در عرصه نظام بین‌المللی کنونی، استفاده احتمالی چین از حق وتوی خویش به نفع پرونده هسته‌ای ایران یک امر بسیار بعید بود. چین برای رشد اقتصاد خود علاوه بر بازار مصرف، نیاز مبرم به نفت و گاز ایران دارد. برای چینی‌ها افزایش قدرت منطقه‌ای ایران اهمیت ندارد (قهرمانپور، ۱۳۸۷).

عوامل تمایز مواضع چین از سایر قدرت‌ها

چین با برخورداری از حق وتو به عنوان یکی از اعضای دایمی شورای امنیت در میان قدرت‌های بزرگ نزدیک‌ترین روابط را با جمهوری اسلامی ایران داشته و یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌ها در پرونده هسته‌ای ایران تلقی می‌گردد. چین در مسیر رشد و توسعه خود نیاز مبرم به منابع انرژی داشته و ایران به عنوان یکی از مهمترین تامین‌کنندگان منابع انرژی و همچنین بازار مصرف مناسب برای این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر مواضع چین در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران را با سایر قدرت‌های جهانی متمایز می‌کند (ثقفی عامری، ۱۳۸۵).

موضع کشور روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران

به نظر می‌رسد طولانی شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت برای روسیه چندان مهم نبود چرا که روسیه منافع اقتصادی چندانانی در ایران ندارد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت در بعضی از مسائل جهانی با ایران منافع مشترک دارد. روسیه، به دلیل همکاری در نیروگاه بوشهر و به جهت عضویت این کشور در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای ایران اهمیت دارد. از این رو در شرایطی که پرونده هسته‌ای ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین‌المللی در دستور کار آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت قرار داشت، رویکرد این کشور را نسبت به پرونده هسته‌ای ایران بویژه در تکمیل و تحویل نیروگاه اتمی بوشهر، با فراز و نشیب‌هایی روبرو ساخت. روسیه از یک طرف مذاکرات خود با ایران و از طرفی دیگر، دیدارهایی با مقامات آمریکا را در دستور کار خود قرار می‌داد. باید به این نکته توجه داشت که روسیه به ادامه همکاری هسته‌ای با ایران تمایل دارد تا ضمن انتقال فناوری هسته‌ای به ایران، منافع خود را نیز تامین نماید. اما از سوی دیگر آمریکا موضوع پرونده هسته‌ای ایران را به عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز جهانی روی میز مذاکره با روسیه قرار داد. به طوریکه در مقاطع مختلف فشار آمریکا، به دلیل همکاری با ایران بر روسیه محسوس بود، روسیه برای سامان دادن به اقتصاد رو به رشد خود و حل مشکلات

داخلی و تامین منافع امنیتی به این همکاری نیاز داشت. با این وجود در شورای امنیت سازمان ملل متحد روسیه نیز همچون چین آنگونه که ایران انتظار داشت عمل نکرد و در نهایت قطع نامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون پرونده هسته ای ایران با آرای مثبت این کشور هم مواجه شد.

روسیه که طی سال های گذشته همواره از پرونده هسته ای ایران برای کسب امتیاز از آمریکا استفاده نموده بود، همراهی کامل با غرب را در اعمال تحریم ها علیه ایران در پیش گرفت. و به عنوان شاهدی بر این همکاری از تحویل موشک های S-۳۰۰ به ایران خودداری کرد. همسو با آمریکا روسیه مخالف این قضیه بود که ایران قدرت هسته ای باشد زیرا این امر تهدیدی برای مسکو و واشنگتن به حساب می آمد. روسیه با بکارگیری روش نظامی برای حل پرونده هسته ای ایران به شدت مخالف کرده و راه حل نظامی را رد می کرد. چون موجب تهدید امنیت حاکم بر منطقه می گردید. روسیه تحریم های یک جانبه یا چند جانبه علیه ایران را نیز تایید نمی کرد. بلکه همیشه منتقد برقراری این تحریم ها بود. مسکو خوب میدانست که تحریم ها علیه ایران در آینده نزدیک برداشته خواهد شد، لذا برای به دست آوردن موقعیت بالایی در بازارهای ایرانی قبل از حضور دیگر بازیکنان در صحنه در تلاش بود. منافع روسیه در تقویت مسئله ی عدم انتشار سلاح هسته ای، تقویت آرامش منطقه ای و توسعه ی همکاری چند جانبه با ایران بود (مرادی، ۱۳۸۵).

علی رغم محدودیت ها و اختلافاتی که در روابط روسیه و ایران وجود داشت، اما این روابط برای هر دو کشور سودمند بود. از دیدگاه روسیه، ایران همواره یک مشتری تسلیحاتی و هسته ای بالقوه است. در ضمن، ایران مستقل و قوی می تواند از هژمونی و تسلط آمریکا بر منطقه خلیج فارس که مسکو منافع حیاتی در آن دارد مانع شود. از دیدگاه ایران، روسیه می تواند منبع امنی برای خرید تسلیحات توسط ایران باشد و همچنین می تواند در مقابل آمریکایی که تلاش می کند ایران را منزوی سازد، یک متحد دیپلماتیک تلقی شود. روسیه نیازی به انرژی ایران ندارد برعکس در زمینه صادرات انرژی بویژه گاز رقیب ایران محسوب می شود. بنابراین بازار ایران را برای صدور تجهیزات و تکنولوژی هسته ای خود بسیار پر سود برشمرده و با ایران موافقتنامه های هسته ای هم امضا کرده است. ایران همسایه روسیه بوده و افزایش قدرت منطقه ای ایران می تواند تهدیدی برای روس ها باشد. ایران کشوری مسلمان است و می تواند برای مسلمانان روسیه و کشورهای مسلمان حوزه اوراسیا به عنوان مانعی برای نفوذ بنیاد گرایی خشن اسلامی در درون و اطراف روسیه حائز اهمیت باشد. همانطور که اشاره شد ایران و روسیه در حوزه مسئله گاز با یکدیگر رقابت دارند، روسیه در ایران دارای منافع اقتصادی و هسته ای است. همچنین ایران نیز در احیای قدرت جهانی روس ها اهمیت دارد. همگرایی این دو کشور در مساله سوریه به خوبی این مطلب را نشان می دهد (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹).

مواضع مشترک دو کشور چین و روسیه در رابطه با ایران

دو کشور روسیه و چین مواضع یکسانی نسبت به کشور ایران داشته اند. روسیه و چین دو بازیگر مهم در موضوع پرونده هسته ای ایران به شمار می آمدند. در دوره های گذشته این دو کشور علیرغم همراهی نهایی با غرب در اعمال تحریم ها علیه ایران، همواره از فرمول بندی های تند و تهدیدها و اقدامات شدید شورای امنیت سازمان ملل، علیه ایران جلوگیری کرده اند. چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران سیاستی نیمه حمایتی داشته و منافع خود را از طریق این سیاست دنبال کرده اند. مهمترین مولفه های مشترک آنها در قبال برنامه هسته ای ایران، نگرانی از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و جلوگیری از تلاش غرب برای انزوای کامل ایران بوده است. چین و روسیه با حفظ مواضع دو پهلوی در قبال پرونده هسته ای ایران سعی می کردند در روابط خود میان ایران و آمریکا تعادل ایجاد کنند و از این مسئله جهت کسب امتیاز بیشتر از سوی هر دو کشور متخاصم استفاده کنند بدین ترتیب هم نقش خود را به عنوان یک بازیگر متعهد بازی می کردند و هم روابطشان را با ایران و آمریکا حفظ می نمودند. همواره بازار ایران را برای صادرات تجهیزات و تکنولوژی هسته ای بسیار پر سود دیده اند. چین و روسیه دو کشوری هستند که به دلیل اهمیت انرژی و جهت توسعه و پیشرفت صنعتی شان، همکاری های گسترده ای را با ایران در زمینه های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی، تجهیزات نظامی و همکاری های هسته ای داشته اند (قاسمی، ۱۳۸۸).

جدول ۱. مواضع متفاوت و مشترک کشور چین و روسیه در رابطه با پرونده هسته ای ایران

در جدول ذیل به وضوح به مواضع متفاوت و مشترک دو کشور چین و روسیه در خصوص کشور ایران و پرونده هسته ای اش اشاره شده است.

مسائل مرتبط با ایران	مواضع	کشور چین	کشور روسیه
رقابت در بازار مصرف انرژی	متفاوت	مصرف کننده است	صادر کننده و رقابت در بازار نفت و بویژه گاز
مجاورت و مسائل مرتبط	متفاوت	غیر مستقیم، همسایه همسایگان ایران	مستقیم و دارای منافع مشترک
رشد اقتصادی	متفاوت	خیلی زیاد	متوسط
رقابت منطقه ای با ایران	متفاوت	ندارد	دارد در حوزه اوراسیا و آسیای میانه
اصول کلی سیاست دو کشور	متفاوت	پرهیز از تنش با غرب و توجه به منافع اقتصادی	توجه به مسایل مدیریت محیط امنیتی پیرامون خود و نظام بین الملل
همکاری نظامی	مشترک	دارد	دارد
همکاری هسته ای	متفاوت	اندک	زیاد و ساخت نیروگاه
جایگاه بین المللی و هدف راهبردی	جایگاه مشترک و هدف راهبردی متفاوت	عضو دائم شورای امنیت - تلاش برای رسیدن به قدرت اقتصادی بزرگ و رقیب غرب و آمریکا	عضو دائم شورای امنیت - تلاش در راستای احیای قدرت بین المللی
تحدید فعالیت های هسته ای ایران	مشترک	موافق	موافق
مواضع اصلی در خصوص پرونده هسته ای ایران	مشترک	نگرانی از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و جلوگیری از تلاش غرب برای انزوای کامل ایران	نگرانی از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و جلوگیری از تلاش غرب برای انزوای کامل ایران
تاثیر در روند تصویب و اجرایی شدن برجام و پیامدهای توافق	تاثیر مشترک - پیامدها متفاوت	موافق دیپلماسی مذاکره و توافق تصویب توافقات . در ضمن برجام پیامدهای مثبتی از نظر سیاسی و اقتصادی برای چین داشت.	موافق دیپلماسی مذاکره و توافق تصویب توافقات برجام برای روسیه ضمن داشتن پیامدهای مثبت پیامدهای منفی (درحوزه انرژی) هم به همراه داشت.

توافقات هسته ای، تاثیرات و پیامدهای آن بر کشورهای چین و روسیه

چین و روسیه خواهان استحکام روابط خود با ایران در برابر آمریکا و خواهان تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی شان در منطقه بودند. در این بین، چین بر موفقیت مذاکرات تأکید داشت و یک چارچوب مذاکره مبتنی بر کوتاه آمدن گام به گام دوجانبه پیشنهاد کرد. چراکه در این فرایند چین چه

از نظر سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی بیشترین استفاده را خواهد برد و این توافق هیچ‌گونه تأثیرات سلبی آشکار برایش نخواهد داشت. در حالی که روسیه علیرغم منافعی که از فروش اسلحه و هم‌پیمانی سیاسی با ایران دارد، از افزایش تولیدات ایران در حوزه انرژی نگران است. چین به ویژه در مرحله نهایی مذاکرات، تلاش‌های گسترده‌ای برای حل اختلافات واشنگتن و تهران انجام داد.

پیامدهای مثبت و منفی توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ برای چین

چین در پی آن بود تا با مشارکت فعال در عرصه بین‌المللی بویژه پیامدهای پرونده هسته‌ای ایران، را کنترل نماید چرا که پیامدهای مثبت و منفی توافق هسته‌ای ایران بر چین آشکار است. پیامدهایی که می‌تواند که می‌تواند این کشور را با فرصت‌ها و چالش‌های مهمی روبرو سازد.

پیامدهای مثبت توافق هسته‌ای ایران برای چین

۱. افزایش واردات نفت و گاز ارزان‌قیمت از ایران: بر اساس توافق هسته‌ای، مرحله اول از مراحل برداشتن تحریم‌ها شامل برداشتن تحریم‌های مرتبط با صادرات نفت و تعاملات مالی با بانک مرکزی است. پیش‌بینی می‌شد که در حالت اجرای روند توافق، نهایتاً تا چهار ماه اول سال ۲۰۱۶ تحریم‌های مرتبط با صادرات نفت ایران برداشته خواهد شد که این امر منجر به افزایش تولید و صادرات نفت ایران می‌شود. در نتیجه قیمت‌های نفت کاهش یافته و چین به عنوان اولین کشور واردکننده نفت ایران قادر خواهد بود نفت بیشتری با قیمت ارزان از ایران وارد کند.

۲. افزایش میزان همکاری‌های اقتصادی و تجاری: این توافق چین را قادر خواهد کرد که سهم بیشتری از بازارهای مالی، اقتصادی و تجاری ایران را نصیب خود کند.

۳. برداشته شدن عامل بحران در روابط چین و آمریکا: چین قبل از توافق، مانند سایر کشورها سعی می‌کرد که حفظ تحریم‌ها علیه ایران را رعایت کند؛ اما نقض تحریم‌ها گاهی اوقات روابط پکن و واشنگتن را بحرانی کرده است. اکنون با رسیدن به توافق نهایی با ایران، این عامل بحران‌ساز از بین رفته است.

۴. تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی چین در منطقه: این توافق، به نوعی عقب‌نشینی آمریکا از منطقه به حساب می‌آید. علاوه بر این، توافق در تقویت روابط چین و ایران به لحاظ سیاسی، اقتصادی، تجاری و امنیتی عامل مهمی تلقی می‌شود. که در نتیجه آن موقعیت چین در منطقه تقویت خواهد شد.

۵. جاده جدید ابریشم: موقعیت ایران در جاده قدیم ابریشم، یک عامل مهم در ابتکار عمل چین در احیای جاده جدید ابریشم به حساب می‌آید. این جاده باهدف تقویت روابط اقتصادی منطقه شرق آسیا با اروپا از طریق خاورمیانه احداث می‌شود (عوض پور و همکاران، ۱۳۹۴).

پیامدهای منفی توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ برای چین

هنوز وجود پیامدهای منفی از این توافق، بر منافع چین چندان آشکار نیست. این امر نشان می‌دهد که چین پس از ایران بزرگ‌ترین برنده این توافق است؛ اما این امکان وجود دارد که با ورود شرکت‌های اروپایی به بازار ایران و توسعه روابط اقتصادی و تجاری با اروپا و آمریکا نفوذ چین در بازار ایران کاسته بشود. همچنین تنش‌زدایی در روابط ایران و غرب و تقویت حضور غرب بویژه آمریکا در منطقه هم احتمال دارد. البته به نظر می‌رسد با توجه به منافع مستحکم چین و غرب این مساله بیشتر تهدیدی برای روسیه باشد.

پیامدهای مثبت و منفی توافق هسته‌ای ایران با غرب و قدرت‌های بزرگ برای روسیه

توافقات هسته ای برای روسیه پیامدهای مثبت و به ویژه در حوزه انرژی پیامدهای سلبی خواهد داشت که در ادامه مطلب مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

عمده ترین پیامدهای مثبت توافق هسته ای ایران برای روسیه

عمده ترین پیامدهای مثبت توافق هسته ای برای روسیه را می توان در سه موضوع ذیل دسته بندی کرد:

۱. فروش اسلحه بیشتر به ایران: این توافق باعث افزایش درآمدهای مالی ایران شده و در نتیجه هزینه های تسلیحاتی ایران نیز افزایش خواهد یافت. این امر یک درآمد مهم برای مسکو است. زیرا که پیش بینی می شود که اکثر خریدهای ایران از روسیه خواهد بود.

۲. تقویت موقعیت و نقش مسکو در خاورمیانه: ایران دروازه مهمی برای نفوذ روسیه در خاورمیانه به شمار می رود؛ بنابراین هرگونه نزدیکی ایران با غرب از دیدگاه روسیه سلبی خواهد بود. علاوه بر این، توافق هسته ای ایران موضع مخالف روسیه با سپر موشکی آمریکا در اروپا را تقویت خواهد کرد زیرا که از نظر روسیه، آمریکا دلیل استقرار این سپر را خطر ایران قلمداد می کند.

۳. نقش بزرگ تر روسیه در پروژه های هسته ای ایران: بدون شک توافق هسته ای، موقعیت روسیه در صنایع هسته ای ایران را تقویت خواهد کرد؛ زیرا که در تبدیل نیروگاه فردو به مرکز تحقیقاتی نقش خواهد داشت. علاوه بر این روسیه سوخت لازم برای نیروگاه بوشهر را تأمین خواهد کرد. (عوض پور و همکاران، ۱۳۹۴).

پیامدهای منفی توافق هسته ای ایران با غرب و قدرت های بزرگ برای روسیه

۱. از بین بردن جایگاه روسیه در بازار انرژی: این توافق باعث خواهد شد که ایران با توجه به این که دارای چهارمین ذخایر نفتی و دومین ذخایر گازی ثبت شده در جهان است. به رقیب واقعی روسیه در حوزه انرژی تبدیل شود.

۲. تأثیر بر قیمت های نفت و گاز: روسیه با تحریم های غربی و کاهش ارزش پول ملی خود در رنج است. این تحریم ها سالانه ۴۰ میلیارد دلار و کاهش قیمت نفت نیز سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار برای روسیه ضرر دارد. در نتیجه، بازگشت ایران به بازارهای نفتی باعث کاهش بیشتر قیمت ها خواهد شد.

۳. از بین رفتن سیاست باج گیری روسیه برای انرژی: پیش بینی ها حاکی از آن است که برداشتن تحریم های ایران باعث افزایش صادرات گاز ایران به اروپا و رقابت ایران با روسیه خواهد شد. زیرا که از وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه خواهد کاست. در نتیجه مسکو دیگر نخواهد توانست از گاز به عنوان سلاح اقتصادی و سیاسی استفاده کند.

۴. از بین رفتن بخشی از سهم روسیه در حوزه انرژی ایران: پیش بینی می شود پس از برداشتن تحریم ها، ایران حداقل تا سال ۲۰۲۰، ۵۰ پروژه نفت و گاز با قیمت ۱۸۵ میلیارد دلار را شروع کند که سهم عمده این پروژه ها نصیب کشورهای اروپایی خواهد شد زیرا که شرکت های روسی توان رقابت با شرکت های اروپایی در این زمینه را ندارند.

۵. تبدیل ایران به یک قدرت منطقه ای: این توافق ممکن است که باعث تقویت قدرت منطقه ای ایران بشود. استفاده ایران از قدرت خود در منطقه آسیای میانه می تواند برای روسیه چندان مفید نباشد (عوض پور و همکاران، ۱۳۹۴).

سیاست خارجی و مواضع کشورهای چین و روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران و دلایل اتخاذ این سیاست ها، توافقات برجام و پیامدها و منافع حاصل از آن برای دو کشور چین و روسیه موضوعاتی است که به آن پرداخته شد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس فرضیه ای که در این پژوهش مطرح شد، به دلیل رویکرد پرهیز از تنش، کشور چین جهت منافع اقتصادی و در مقابل تاکید روسیه بر مدیریت محیط امنیتی و همراهی دو کشور با غرب در محدود کردن فعالیت های هسته ای ایران در عین مقابله با انزوای کامل ایران از طرف غربی ها، رویکرد دو دولت مذکور بر مولفه های مربوط به واقع گرایی ساختاری منطبق می باشد. رئالیسم ساختارگرا که شامل شاخه های تدافعی و تهاجمی است، شامل تئوری هایی عمدتاً قیاسی است که در تحلیل های خود بر عوامل سطح سیستمی (از جمله آنارشی و توزیع کلان قدرت در نظام بین الملل) توجه دارد و مؤلفه های سیستمی را مهم ترین متغیرها در تبیین سیاست بین الملل و سیاست خارجی می داند. از این منظر واحدهای سیاسی تمایز و تفاوت چندانی غیر از تفاوت سطح قدرت با هم ندارند و دولت ها در سطح نظام بین المللی تشابه کارکردی دارند.

تبیین سیاست بین الملل هدف اصلی رئالیسم ساختارگراست که شامل شاخه های تدافعی و تهاجمی می باشد. با بررسی شاخص ها و مولفه های تصمیم گیری دو کشور چین و روسیه و انطباق آن با سیاست و ساختار نظام بین الملل و اصول واقع گرایی ساختاری مشترکات ذیل استخراج می شود که عبارتند از: در پیش گرفتن اصل احترام به حاکمیت کشورها و التزام به اصول عدم اشاعه هسته ای به عنوان یک قدرت مسئول، جلوگیری از اشاعه سلاح های هسته ای توسط ایران، جلوگیری از انزوای کامل ایران توسط غرب و آمریکا. در این مطالعه، شاخص و مولفه های اختصاصی کشور چین عبارتند از: سیاست کنش متوازن هسته ای و پرهیز از تنش بالاخص در مقابله با امریکا همچنین تامین منافع اقتصادی خود در منطقه و سطح بین الملل. شاخص و مولفه های اختصاصی کشور روسیه نیز عبارتند از: مدیریت محیط امنیتی بی المللی پیرامون خود، حمایت نسبی از ایران به جهت حفظ هژمونی ایران و حفظ امنیت منطقه در برابر آمریکا. به این نحو این نتایج، نشانگر انطباق شاخص ها با نظریه واقعگرایی ساختاری در این پژوهش است. لازم به ذکر است که شاخص ها و مولفه های مذکور با هر کدام از شاخه های رئالیسم تدافعی و تهاجمی نیز تبیین می شود.

فرض واقعگرایی تدافعی این است که امنیت چندان نایاب نیست، «خوش خیم» است. کنشگران تنها درشرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان میدهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. و فرض رئالیست های تهاجمی این است که، آنارشی دولت ها را وادار می سازد قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقاء در درون نظام بین الملل هرگز قطعی نیست و دولت ها می کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود امنیت خویش را به حداکثر برسانند. به نظر آنها فشار قوی نظام بین الملل است که باعث می شود دولت هایی که در وضعیتی مشابه اند، رفتار مشابهی داشته باشند. در رهیافت واقع گرایی تهاجمی بر افزایش قدرت به منزله ی هدف، و برای کسب جایگاه هژمونیک در نظام بین الملل به عنوان رفتار اصلی قدرت های بزرگ تأکید می شود.

این دسته از واقع گرایان به مسأله ی امنیت به عنوان محور و پایه ی اصلی بحث هایشان می پردازند که در این حوزه به مسائلی چون امنیت بین المللی، بقاء، موضوعات امنیتی مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت، دولت محوری در مرجع امنیت و آنارشی توجه می شود قدرت نظامی یک دولت معمولاً با توانایی تسلیحاتی تعریف و شناخته میشود در واقع میتوان گفت واقع گرایی تهاجمی، نوع رقابتی تر واقع گرایی ساختاری است. برای کسب قدرت به رقابت می پردازند و تا حد ممکن درصدد افزایش قدرت خود برمی آیند. آنان بر این اعتقادند که نظام بین الملل، قدرت های بزرگ را مجبور می کند تا قدرت نسبی خود را افزایش دهند. اگر از منظر شاخه تدافعی و تهاجمی به ترتیب به سیاست ها و مواضع کشورهای چین و روسیه در خصوص پرونده هسته ای ایران نگریسته شود مشاهده می گردد که دو کشور چین و روسیه هر کدام به نحوی و به دلایل متعدد، مواضع و سیاست های خود را در خصوص پرونده هسته ای ایران اعلام و اعمال کردند. بدین صورت که انگیزه ی حضور چین در خاورمیانه به عنوان یک قدرت در حال ظهور بر آن قرار گرفته است که کارویژه های یک قدرت سیاسی بین المللی را به نمایش بگذارد. و همچنین حضور کمرنگ چین در منازعات و رای ممتنع و گاه مثبت به قطعنامه های مربوط به ایران در شورای امنیت، نشان می دهد که این کشور نمی خواهد در مسایل مربوط به خاورمیانه، مقابل آمریکا قرار گیرد و نمی خواهد خود را در مناقشات با بحران های منطقه درگیر کند. به همین دلیل در برخی از مواقع همکاری با ایران را قطع می کرد.

قرار گرفتن در وضعیت پیچیده انتخاب بین ایران و غرب باعث اتخاذ سیاست کنش متوازن در قبال برنامه هسته ای ایران از طرف چین بود، سیاستی که بر اساس آن عملکرد چین حاصل تلاش برای ایجاد توازن میان انتظارات ایران و خواسته های غرب در قالب جامعه بین المللی است. و همچنین روسیه تلاش هایی را برای پس گرفتن جایگاه سنتی و احیای قدرت بین المللی اش در منطقه داشت. و نگران بحث امنیتی و وجهه ی بین المللی اش در منطقه بود. تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران وفشارهای نظام بین الملل به جهت تحریم های آمریکا علیه ایران و شرکت های روسی هم یکی دیگر از مواضع روسیه بود. آنچه به وضوح مشاهده می شود در فرجام پرونده هسته ای ایران که توافقی در برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام نامیده می شود، تفکر حاکم بر سیاست خارجی معطوف به ایران در برخی از کشورها مانند روسیه و چین را بیش از دیگر کشورها دچار تغییر نمود.

اجزایی شدن برجام و عادی سازی روابط با اروپا و آمریکای شمالی سبب گمانه زنی ها پیرامون ارتباط آینده ایران با این کشورها و فرصت های پیش روی ایران، خصوصا در بعد اقتصادی شده است. عده ای بازار اروپا را به آسیا ترجیح داده و ایران را مستعد دریافت تکنولوژی اروپایی می دانند و عده ای دیگر اعتقاد به ادامه روند آزمایش شده و بدون ریسک فعلی داشته و آینده اقتصادی ایران را در مراد به آسیا خصوصا چین روشن تر می پندارند. همچنین چین جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرت های اقتصادی جهان که به زودی به قدرت اول اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد تثبیت کرده و از این رو، برقراری ارتباط با چین برای هر کشوری مفید است و این امر در میزان کشورهای مرتبط با اقتصاد چین مشهود می باشد. ایران که اکنون با افزایش تولید نفت مواجه شده، قطعاً در معادلات خود چین را به عنوان یک مشتری بالقوه در نظر گرفته و در تلاش است تا آن را بیش از پیش بالفعل کند. این اتفاق رابطه ای متعادل تر و دو سویه را در رابطه اقتصادی چین و ایران رقم خواهد زد که به طبع گسترش بیشتر روابط میان دو کشور در تمام زمینه ها را در آینده نزدیک سبب می شود. می توان این گونه گفت که آزادسازی تعاملات میان ایران با اروپا و آمریکای شمالی باعث کاهش کمی واردات ایران از چین خواهد شد. ولی این کاهش کمی در کنار افزایش واردات نفتی چین از ایران، بالانس شدن معاملات دو کشور را پی داشته و به بهتر شدن این رابطه اقتصادی از لحاظ کیفی ختم می شود.

نفوذ داعش در خاورمیانه، خصوصا افغانستان و به تبع آن آسیای مرکزی به هیچ وجه خوشایند چین نبوده و کلید جلوگیری از این اتفاق در دستان ایران است. از این روی، چین در صدد خواهد بود با مرادوات بیشتر نظامی با ایران، این کشور را در این مهم یاری کند. از سوی دیگر ایران نیز بعد از تجربه بیش از یک دهه تحریم، در صدد استفاده بهینه از این رخداد و مرادوات نظامی ست. مرادواتی که برای چین امنیت منطقه ای و بازار فروش سامانه های نظامی، و برای ایران تسهیل روند نیل به اهداف امنیتی در منطقه و تجهیز سامانه های نظامی را در پی خواهد داشت. سیاست کلی چین، در بعد سیاسی نیز اعتماد سازی و به تبع آن استحکام بخشی روابط دیپلماتی است که خصوصا در زمان تحریم ها با شورای امنیت سازمان ملل و گروه پنج به علاوه یک، پیشبرد سیاست عدم دخالت در امور داخلی ایران را بخوبی اعمال کرده است.

این قضایا چین را به دوستی غیر استعمارگر و پایبند به اصول همزیستی مسالمت آمیز برای ایران، و ایران را به دوستی مورد اعتماد و دارای جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مناسب با موقعیت دیپلماتی رو به رشد در جهان برای چین تبدیل کرده است که مسلماً برجام و تلاش چین برای ثمر دادن آن، بر استحکام و عمق این دوستی تأثیری مثبت و بسزا خواهد گذاشت. چین و روسیه از مهمترین رقبای شرکت های اروپایی در بازار ایران هستند. در طول تحریم ها، چین به بزرگترین شریک تجاری ایران بدل شد و اقدام به صدور کالاهای سرمایه ای و خدمات مهندسی و سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختی این کشور کرد. مطالب مذکور، بیان گر این موضوع است که در سیاست های راهبردی چین، ایران از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در ابتکار «یک کمربند- یک جاده» برای چین نقش بسزایی را ایفا می کند. زیرا می تواند چین را به بازارهای آسیای میانه و خاورمیانه متصل نماید. منافع تجاری روسیه در ایران بر از سرگیری فروش تسلیحات و صنعت هسته ای متمرکز شده است. روسیه تصریح کرده که در حال برنامه ریزی برای استفاده از فرصت لغو تدریجی تحریم های تسلیحاتی ایران است. با لغو تحریم ها و افزایش عرضه نفت ایران، احتمال افزایش رقابت در بازار انرژی اروپا افزایش یافته است. این پس از آن اتفاق می افتد که

قیمت جهانی نفت به شدت کاهش یافته و موجب بروز مشکلات اقتصادی برای روسیه شده است. این بدان معناست که هرگونه تاخیر در بهسازی زیرساخت های نفتی ایران به دلیل ادامه تحریم های آمریکا می تواند موجب خشنودی روسیه شود.

البته این بدان معنا نیست که روسیه به شدت به دنبال جلوگیری از ظهور ایران به عنوان یک رقیب در بازار انرژی است. اما در هر صورت ترمیم زیرساخت های نفتی ایران برای روسیه زمان خواهد خرید و اروپا نیز در این مدت می تواند خود را برای تغییر منبع تامین انرژی اش آماده کند. با این اوصاف و تفاسیر، مشخص شد بطور کلی، روسیه و چین در رابطه با پرونده هسته ای ایران در راستای پیشبرد منافع منطقه ای و بین المللی خود با حمایت نسبی از حقوق صلح آمیز هسته ای ایران سعی در امتیاز گیری از قدرت های جهانی و ممانعت از تک قطبی شدن نظم بین الملل داشته اند. روسیه تامین امنیت خود و تاکید بر مدیریت محیط امنیتی پیرامون خود و کشور چین پرهیز از تنش و دسترسی به منبع انرژی و بازار مصرف ایران را بدلیل منافع اقتصادی نیز دنبال نموده اند. و همچنین همراهی دو کشور با غرب در تحدید (محدود کردن) فعالیت های هسته ای ایران و نگرانی از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و جلوگیری از تلاش غرب برای انزوای کامل ایران در رابطه با برنامه هسته ای اش، به عنوان نقاط مشترک سیاست خارجی دو کشور در رابطه با پرونده هسته ای ایران، در چارچوب نظریه واقع گرایی ساختاری قابل تحلیل و ارزیابی علمی است.

پیشنهادهات

مسئولان در سیاست خارجی بر اساس پی گیری اهداف نظام، باید دست به ظرفیت سازی بیشتری بزنند. با این وجود، دستگاه دیپلماسی ایران باید با هوشیاری هر چه بیشتر، ضمن شناسایی احتمالات و توافقات پنهان بازیگران عصر نظام بین الملل همچون روسیه و چین در خصوص مسائل مرتبط با ایران که به حتم واجد تأثیرات مستقیمی بر منافع و امنیت ملی کشور خواهد بود، تدابیری را برای به حداقل رساندن تبعات منفی سیاست های آشکار و پنهان این کشورها مد نظر قرار دهند. از سوی دیگر، همان طور که بسیاری از تحلیل گران داخلی نیز تأکید دارند، سیاست گذاران خارجی ایران می توانند با در نظر گرفتن تدابیر بهینه تری در رابطه با غرب، از اعمال فشارهای بی مورد از ناحیه روسیه و چین و قرار گرفتن تهران در وضعیتی که باید نظاره گر بازیگری مسکو و چین در عرصه جهانی به ویژه در خصوص مسائل مرتبط با ایران و بالاخص در مساله هسته ای و تأثیر آن بر منافع ایران باشند، ممانعت به عمل آورند و بتوانند مسائل را به سمت کسب منافع بیشتر کشور، مدیریت و هدایت نمایند.

منابع

- احدی، افسانه، ۱۳۸۳، "تا پیش از توافقنامه پاریس-کارنامه آژانس و منافع ملی ج.ا.ایران"، تهران، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۴.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، ۱۳۹۴، "سیاست کنش متوازن چین و برنامه هسته ای ایران" فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، ص ۱۳۴ تا ۹۹.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، ۱۳۸۹، "مقدمه ای بر سیاست خارجی چین" مجله سیاست خارجی، شماره ۹۵.
- اسدی، علی اکبر، ۱۳۸۹، "رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، ص ۲۵۲ تا ۲۲۳.
- اشکوری، سید عبدالمجید، ۱۳۸۳، "گزارشی از پرونده تکنولوژی هسته ای"، ایران اتمی، قم: همای غدیر، ص ۷-۶.
- اطاعت و رضایی، ۱۳۹۰، "نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفهوم آن"، فصلنامه روابط خارجی، شماره دوم، ص ۲۱۳ تا ۲۴۱.
- امینی، محمد صادق، ۱۳۸۶، "بازی با برگ برنده روسیه" تهران، ماهنامه گزارش، شماره ۱۸۹.
- ایرانی دوست، کمال، ۱۳۸۷، "بررسی موضع چین در برابر پرونده هسته ای ایران بر پایه رویکرد نئو لیبرال"، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۵۱ و ۲۵۲، ص ۹۲ تا ۹۹.
- برزگر، کیوان، ۱۳۸۸، "سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی" فصلنامه بین المللی روابط خارجه، شماره اول، ص ۱۱۳ تا ۱۵۳.
- پوراحمدی و عباسی خوشکار، ۱۳۹۱، "مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران"، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۹، ص ۳۹ تا ۷۸.
- پورفرد، مسعود، ۱۳۸۴، "مسئله هسته ای ایران و چالش های روسیه و آمریکا"، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۶۵.
- ترابی، طاهره، ۱۳۸۸، "سپر دفاع موشکی آمریکا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، تهران: مرکز تحقیقات و راهبردی دفاعی، نامه دفاع، شماره ۲، ص ۲.
- تیموویف، ایوان، ۱۳۹۴، "هفت اصل سیاست خارجی روسیه". ترجمه ذراتی، اندیشکده راهبردی، گروه رصد.

- ثقفی عامری، ناصر، ۱۳۸۴، "روسیه و پرونده هسته‌ای ایران"، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه مطالعات استراتژیک.
- ثقفی عامری، ناصر و احدی، افسانه، ۱۳۸۷، "ایران و سیاست نگاه به شرق"، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌گده تحقیقات استراتژیک، گروه مطالعات سیاست خارجی، ص ۱۲۷.
- جعفری نژاد، مسعود؛ مدآبادی فیدافه، ۱۳۹۳، "تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر نظام امنیت منطقه‌ای خاورمیانه خلیج فارس با تأکید بر نظریه‌ی رئالیسم تهاجمی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره بیستم، ص ۲۰۷ تا ۲۲۷.
- جعفری ومیرجلالی، ۱۳۸۹، "مولفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران"، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، شماره ۵۱، ص ۱۵۵ تا ۱۸۰.
- جلالی، علی احمد "همکاری‌های همه‌جانبه ایران و روسیه"، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۴۱.
- جنتی، فرامرز، ۱۳۸۸، "سیاست خارجی چین در سال ۲۰۰۹"، فصلنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۳۳ ص ۷۶ تا ۷۸.
- حق شناس، محمدرضا، ۱۳۹۰، "روابط روسیه با آمریکا و رویکرد آن کشور در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران"، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴.
- حق شناس، رضا، ۱۳۹۰، "سیاست خاورمیانه‌ای چین و برنامه هسته‌ای ایران"، مجله مطالعات خاور میانه، شماره ۶۵، ص ۵۵ تا ۸۴.
- خبرگزاری فارس، گروه روابط سیاست خارجی، ۱۳۹۱، "نگاهی به تاریخچه روند برنامه هسته‌ای ایران"، شماره 13910123000356، (۱۳۹۵/۰۲/۲۰)، از:
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۰، "واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۹۷، ص ۲۷۵ تا ۲۹۴.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، ۱۳۹۰، "هویت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران"، تهران: ابرار معاصر تهران، تشخیص مصلحت، ص ۱۲۰۹.
- روابط ایران و چین در سایه اقدامات آمریکا، ۱۳۸۸، "بندبازی چین"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۳، ص ۹۱.
- روحانی، حسن، ۱۳۹۰، "امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای" تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع.
- زرگر، افشین، ۱۳۸۴، "تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه"، تهران، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶.
- سلطانی نژاد، و دیگران، ۱۳۹۱، "سیاست چین در مناقشه هسته‌ای ایران و عوامل موثر بر آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸، ص ۱۴۳ تا ۱۷۰.
- سیف‌زاده، سید حسن، ۱۳۸۷، "عرصه سیاست جهانی، جایگاه ایران و روسیه و رابطه دو کشور"، تهران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۵.
- شریعتی نیا، محسن، ۱۳۹۱، "عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، ص ۲۱۰ تا ۱۷۹.
- شریعتی نیا، محسن، ۱۳۸۹، "بررسی روابط ایران و چین در شرایط سیال بین‌المللی (انتخابی ناگزیر برای ایران)"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۳، ص ۶۴.
- شفیع، نوذر، ۱۳۸۵، "جایگاه ایران در ماتریس استراتژی امنیتی-دفاعی چین"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۴، شماره ۱۳، ص ۴۴.

- شوری، محمود، ۱۳۸۸، "ایران، آمریکا، شوروی"، فصلنامه همشهری، سال ۲، شماره ۱۶، ۶۹-۶۰.
- صادقی اول، نقدی عشرت آباد و میرکوشش، ۹۴ "تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع گرایی انگیزشی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۲۵، شماره ۱۳۳ تا ۱۶۰.
- صدیق بطحایی اصل، میر ابراهیم و صبری، محسن، ۱۳۹۲ "تحولات توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بر اساس رهیافت های نئورئالیسم و رئالیسم نئوکلاسیک"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم، ص ۶۱ تا ۸۵.
- طهماسب، شیرین، ۱۳۷۵ "ایران، روسیه و جمهوری های جنوبی شوروی سابق"، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۲، ص ۵۹.
- عابدی، عفیغه، ۱۳۸۸، "سیاست خاورمیانه ای روسیه" نشریه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱، ۱۲۶-۱۱۰.
- عسکریان، حسین، ۱۳۹۱ "آسیا ۷"، ویژه روابط ایران و چین: "موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ص ۲۸۰.
- عوض پور و همکاران، ۱۳۹۴ "پیامدهای توافق هسته ای" اندیشکده راهبردی، گروه رصد، شماره ۳۶.
- قاسمی، مهران، ۱۳۸۷، "نیم قرن پرونده هسته ای ایران"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۴۱۴.
- قاسمی، مصطفی، ۱۳۸۸، "تعاملات چین و روسیه و آمریکا و تاثیر آن بر پرونده هسته ای ایران"، فصلنامه انسان پژوهی دینی، شماره ۱۹، ص ۸۹ تا ۱۱۴.
- قنبرلو، عبدالله، ۱۳۹۲ "بنیادهای امنیتی سیاست خارجی چین"، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره ۲.
- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۳ "اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل"، تهران: سمت، ص ۳۵۴-۳۵۰.
- قهرمان پور، رحمان، ۱۳۸۷ "رویکرد قدرت های بزرگ به موضوع هسته ای ایران"، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، به نقل از مصطفی قاسمی، ۱۳۸۸ "تعاملات چین و روسیه با آمریکا و تأثیر آن بر پرونده هسته ای ایران"، انسان پژوهشی دینی.
- قهرمانپور، رحمن، ۱۳۸۷ "رویکرد قدرت های بزرگ به موضوع هسته ای ایران"، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع.
- کامل، روح الله، ۱۳۸۳، "مقدمه ای بر رئالیسم تهاجمی"، ماهنامه نگاه، سال چهارم، شماره ۳۸.
- کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۸، "روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری ها)"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ص ۴.
- کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۲، "سیاست خارجی روسیه: مشکل تعریف منافع و رفتارهای متناقض" مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۱، ص ۴۹ تا ۷۸.
- کریمی کشه، سعید، ۱۳۹۲، "بررسی مقایسه ای نگرش ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه به پرونده هسته ای ایران"، فصلنامه مطالعات منطقه ای: آمریکاشناسی-اسراییل شناسی، سال چهاردهم، شماره دوم، ص ۱۱۴ تا ۹۳.
- کولایی، الهه، ۱۳۸۳، "علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل"، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۰۴.
- کولایی، الهه، ۱۳۸۵، "روابط ایران و روسیه تداوم یا تغییر"، موسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره اول، ص ۱۵.

- کولایی، الهه، ۱۳۷۶ "سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه، ۱۳۸۴، "ایران روسیه در دوران ریاست جمهوری خاتمی"، تهران، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۱۳۹.
- کیانی، داوود، ۱۳۸۷، "سیاست روسیه در خاورمیانه محورها و محرکها"، تهران، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷.
- گارور، جان، ۱۳۳۱ "چین و ایران شریکان باستانی در جهان پس از امپراطوریهها"، ترجمه سعیده موسوی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی .
- گزینه‌های اروپا و آمریکا برای تأمین انرژی توافق با ایران یا روسیه، ۱۳۸۶، تهران، ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۹۸.
- گلشن پژوه، محمودرضا، ۱۳۸۴ "پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها"، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ص ۲۲۸.
- متقی، ابراهیم؛ بقائی، خرم؛ میثم، رحیمی، ۸۹ "بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر بر اساس رویکرد واقع گرایی تهاجمی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۴، ص ۱ تا ۲۶.
- مجتهد زاده و رشیدی نژاد، ۱۳۹۰ "تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران" ۲۰۰۰-۲۰۰۸، فصلنامه ژئوپولتیک، سال هفتم، شماره دوم، ص ۱ تا ۳۶.
- مرادی، منوچهر، ۱۳۸۴ "روسیه و برنامه هسته‌ای ایران"، انتخاب ثبات استراتژیک یا رقابت استراتژیک "فصلنامه سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه، سال نوزدهم.
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۴، "تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران": سمت، ص ۹۰ تا ۷۴.
- مقتدر، هوشنگ، ۱۳۵۸ "مباحثی پیرامون سیاست بین الملل و سیاست خارجی"، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، صص ۱۳۱-۱۳۲.
- منتظران، احمد، ۱۳۸۵، "اصول و مواضع جدید روسیه در کنفرانس امنیتی مونیخ"، تهران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶.
- موسوی، سید رسول، ۱۳۸۲، "فتارشناسی سیاسی روسیه در عرصه تحولات جدید بین الملل"، تهران، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، سال هفدهم.
- میزگرد بررسی روابط ایران و چین، ۱۳۸۹ "بازیگران سلطه گریز"، برگرفته از همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۱، ص ۸۱.
- میزگرد روابط ایران و روسیه در حوزه انرژی، ۱۳۸۷، تهران، ماهنامه اقتصاد انرژی، شماره ۱۰۱-۱۰۲.
- نادریان، محمدمبین، ۱۳۸۶، "ژئوپلیتیک نفت و جایگاه بین المللی آمریکا"، مجله اقتصاد انرژی، شماره ۹۶، ص ۲۲.
- نوری، علیرضا، "جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی مدودف" مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۳.
- نیر نوری، حمید، ۱۳۸۴، "روابط ایران با چین و ژاپن در ادوار گذشته"، مجله وحید، ص ۵۷۷ تا ۵۸۶.
- نیل بووی، خلیلی فر، فاطمه، (مترجم)، "زمینه چینی برای جنگ هسته ای پیش گیرانه علیه ایران"، مجله سیاحت غرب، شماره ۱۰۸.
- واعظی، محمود، ۱۳۸۵، "وابستگی متقابل ایران و چین"، همشهری دیپلماتیک، ص ۲۳.

- وحیدی، موسی الرضا، ۱۳۸۱، "حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز: واکنش روسیه"، تهران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷.
- هاشمی، سید حمید، ۱۳۸۵، "پرونده هسته‌ای ایران"، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، ص ۸۱.
- همتی، علیخانی صدر، ۱۳۸۸ "سیر تحولات پنجاه ساله فن‌آوری هسته‌ای در ایران ۱۳۳۶ - ۱۳۸۶"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۸۷۲.
- <http://www.farsnews.com/> ۱۳۹۱۰۱۲۳۰۰۰۳۵۶
- خبرگزاری دانشجو، رضا عابدی گناباد، ۱۳۹۱، "نقش بازیگران مختلف در قبال پرونده هسته‌ای ایران"، شماره 191629148، (۱۳۹۵/۰۲/۲۰)، از: <http://www.snn.ir/detail/News/>، 148۱۹۱۶۲۹
- Alterman John B. (2013) "China's Balancing Act in the Gulf", Gulf analysis paper, CSIS MiddleEast Program, August, (Retrieved 20/9/2013) at: https://csis.org/files/publication/130821_Alterman_ChinaGulf_Web.pdf
- Kenneth Waltz, *Theory of international politics*, (New York: Random house, 1979), p. 79.
- Kenneth Waltz, "Structural realism after the Cold Ward", *International security*, Vol. 25, No. 1, 2000, p. 28.
- There is no Serious Differences on Iran between the Russian Federation and the United States - Peskov" (June 19, 2012). RIA Novosti. (in Russian). quoted in: <http://ria.ru/politics/20120619/676403058.html#ixzz2NeMgBeOd>
- Zahirinejad, Mahnaz & Vrushal Ghoble (2010) "Energy Factor in China-Iran Relations", *Journal of Peace Studies*, Vol. 17, Issue 2&3, April-September, pp.1-12.____